

Consequence-Oriented Governance in the Qur'an: A Dual Analysis of 'Ibrah (Lesson) and Uswah (Exemplar) in the Process of Society-Building

Salman Shayanfar¹

Abstract

The Holy Qur'an presents a consequence-oriented model of governance and society-building in which political systems are evaluated not on the basis of formal structures, but according to the social, moral, and historical outcomes of rulers' actions. The central problem of this study is to provide a systematic elucidation of the Qur'anic dual pattern of 'Ibrah/Uswah (lesson/exemplar) and to develop it into an analytical and operational framework for assessing governance, with the aim of examining its reflection in the discourse of the founders of the Islamic Revolution of Iran. This research adopts a qualitative approach, employing content analysis of Qur'anic verses related to divine traditions and the governance of prophets, along with discourse analysis of the foundational texts of the Islamic Revolution. The findings indicate that the Qur'an, on the one hand, formulates indicators of political decline and collapse through examining the consequences of unjust governments under the concept of 'Ibrah (lesson); and on the other hand, by presenting the conduct of prophets and the righteous, it offers the model of Uswah (exemplar) as a prescriptive pattern of just governance. The discourse analysis of the Islamic Revolution further demonstrates the conscious reproduction of this dual pattern, such that the critique of the Pahlavi regime is structured around the components of 'Ibrah, while the design of the Islamic Republic is articulated on the basis of the indicators of Uswah. The study ultimately proposes the "dual analytical model of 'Ibrah/Uswah" as an indigenous Qur'anic framework for the study of governance and for understanding the Islamic Revolution as a contemporary manifestation of its realization.

Keywords: Qur'anic governance, society-building, 'Ibrah (lesson), Uswah (exemplar), Islamic Revolution, discourse analysis.

1. Assistant Professor, Islamic Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Islamic Revolution Comprehensive University, Tehran, Iran. mr.shayanfar@gmail.com

حکمرانی پیامدنگر در قرآن؛ تحلیل دوگانه «عبرت» و «اسوه» در فرایند جامعه‌سازی

سلمان شایان فر^۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

چکیده

قرآن کریم الگویی پیامدنگر از حکمرانی و جامعه‌سازی ارائه می‌کند که ارزیابی نظام‌های سیاسی را نه بر پایه ساختارهای صوری، بلکه بر مبنای نتایج اجتماعی، اخلاقی و تاریخی کنش حاکمان ممکن می‌سازد. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین نظام‌مند الگوی دوگانه قرآنی «عبرت/اسوه»، و تبدیل آن به چارچوبی تحلیلی و عملیاتی برای سنجش حکمرانی، با هدف بررسی بازتاب این الگو در گفتمان بنیان‌گذاران انقلاب اسلامی ایران است. پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از تحلیل محتوای آیات مرتبط با سنت‌های الهی و حکمرانی پیامبران، و نیز تحلیل گفتمان متون تأسیسی انقلاب اسلامی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد قرآن، از یک‌سو با واکاوی پیامدهای حکومت‌های ظالمانه، شاخص‌های سقوط و زوال سیاسی را در قالب «عبرت» صورت‌بندی، و از سوی دیگر، با معرفی سیره پیامبران و صالحان، الگوی «اسوه» را به منزله الگوی تجویزی حکمرانی عادلانه عرضه می‌کند. تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی نیز بیانگر بازتولید آگاهانه همین الگو است؛ به‌گونه‌ای که نقد نظام پهلوی بر پایه مؤلفه‌های «عبرت»، و ترسیم نظام جمهوری اسلامی بر اساس شاخص‌های «اسوه» سامان یافته است. نتیجه پژوهش، ارائه الگوی تحلیلی دوگانه عبرت/اسوه به‌عنوان چارچوبی بومی و قرآنی برای مطالعه حکمرانی و تبیین انقلاب اسلامی به‌مثابه نمونه‌ای معاصر از تحقق آن است.

واژگان کلیدی: حکمرانی قرآنی، جامعه‌سازی، عبرت، اسوه، انقلاب اسلامی، تحلیل گفتمان.

۱. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

مفهوم حکمرانی در اندیشه اسلامی، تنها سامان‌دهی قدرت سیاسی یا مدیریت اداری جامعه نیست، بلکه فرایندی هدایت‌محور و تمدن‌ساز است که غایت آن تحقق قسط، صیانت از کرامت انسانی و جهت‌دهی جامعه به‌سوی تعالی است. قرآن کریم به‌عنوان متن بنیادین این منظومه، افزون بر ارائه گزاره‌های هنجاری، با بازخوانی سرگذشت امت‌ها و تحلیل کنش‌های حاکمان، نوعی منطق پیامدنگر در ارزیابی حکومت‌ها عرضه می‌کند. این منطق، اعتبار هر نظام سیاسی را بر پایه نتایج اجتماعی، اخلاقی و تاریخی آن می‌سنجد. در این چارچوب، دو مفهوم کلیدی «عبرت» و «اسوه» نقش محوری می‌یابد: نخست، هشدار نسبت به پیامدهای انحراف و ظلم. دوم، ارائه الگوی عینی از حکمرانی هدایت‌یافته در سیره پیامبران و صالحان.

با وجود ظرفیت گسترده قرآن در تبیین الگوهای هدایت اجتماعی، بیشتر پژوهش‌های معاصر در حوزه اندیشه سیاسی اسلام بر مفاهیمی همچون عدالت، شورا یا مشروعیت تمرکز دارد و کمتر به صورت‌بندی الگوی تحلیلی منسجم بر پایه دوگانه «عبرت/اسوه» پرداخته‌اند. خلأ اصلی، نبود چارچوبی نظری و عملیاتی است که بتواند با استخراج شاخص‌های مشخص از آیات قرآن، امکان ارزیابی عینی نظام‌های سیاسی را فراهم آورد. این کاستی در نسبت با انقلاب اسلامی ایران برجسته‌تر است؛ زیرا هرچند درباره مبانی نظری آن پژوهش‌های فراوانی انجام شده است، اما بازخوانی گفتمان بنیان‌گذاران انقلاب در چارچوب الگوی قرآنی پیامدنگر کمتر به‌طور نظام‌مند بررسی شده است. از این‌رو، پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان از دل آیات قرآن، الگوی تحلیلی دوگانه «عبرت/اسوه» را برای حکمرانی استخراج کرد و این الگو چه نسبتی با گفتمان تأسیسی انقلاب اسلامی دارد؟

آنچه انجام این پژوهش را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، دو خلأ اساسی است: نخست، در حوزه نظریه‌پردازی اسلامی، نبود یک دستگاه تحلیلی مبتنی بر قرآن برای ارزیابی پیامدهای حکمرانی سبب شده است مطالعات موجود یا به توصیف ارزش‌های کلی بسنده کنند یا از روش‌های وارداتی برای تحلیل پدیده‌های بومی بهره گیرند که با منطق درونی قرآن ناسازگار است. دوم، در عرصه مطالعات انقلاب اسلامی، با وجود پژوهش‌های گسترده درباره مبانی فکری امام خمینی رحمه‌الله علیه، هنوز تبیین روشنی از پیوند گفتمان ایشان با الگوی دوگانه «عبرت/اسوه» و منطق پیامدنگر قرآن ارائه نشده است. این دو خلأ، نیاز به طراحی چارچوبی را ضروری می‌سازد که هم بتواند منطق قرآنی ارزیابی

حکومت‌ها را عملیاتی کند و هم امکان خوانش تازه‌ای از انقلاب اسلامی به مثابه مصداقی معاصر از این الگو را فراهم آورد.

اهمیت این پژوهش در دو سطح قابل تبیین است: نخست، در سطح نظری، این پژوهش با ارائه «الگوی تحلیلی دوگانه عبرت/اسوه»، گامی در راستای بومی‌سازی نظریه‌های حکمرانی و تکمیل ادبیات موجود در اندیشه سیاسی اسلام برمی‌دارد. این الگو، برخلاف نظریه‌های رایج که بیشتر بر ساختارها یا مشروعیت‌های صوری تأکید دارند، امکان سنجش کارآمدی نظام‌های سیاسی را بر اساس نتایج عینی و تاریخی فراهم می‌کند. دوم، در سطح روش‌شناختی، مقاله با تلفیق «تحلیل محتوای کیفی» آیات و «تحلیل گفتمان» متون تأسیسی انقلاب، الگویی میان‌رشته‌ای برای مطالعات قرآنی و انقلاب‌پژوهی ارائه می‌کند که می‌تواند افق‌های جدیدی را در این حوزه‌ها بگشاید.

هدف اصلی این پژوهش، تدوین الگوی تحلیلی دوگانه «عبرت/اسوه» بر پایه آیات قرآن و تبیین کاربست آن در تحلیل گفتمان بنیان‌گذاران انقلاب اسلامی است. در همین راستا، مقاله در پی پاسخ به دو سؤال اساسی زیر است:

۱. شاخص‌ها و مؤلفه‌های عملیاتی الگوی قرآنی «عبرت/اسوه» در حوزه‌های کلیدی حکمرانی کدام است؟
۲. این الگو تا چه میزان در گفتمان تأسیسی انقلاب اسلامی بازتاب یافته است و با مبانی معرفتی آن هم‌پوشانی دارد؟

مبانی نظری

پیشینه پژوهش

پژوهش در حوزه حکمرانی قرآنی و نسبت آن با انقلاب اسلامی، در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. برای تبیین دقیق جایگاه این پژوهش، پیشینه پژوهش را در سه محور اصلی مرور می‌کنیم: پژوهش‌های مرتبط با الگوی «عبرت/اسوه» در قرآن، پژوهش‌های مربوط به حکمرانی قرآنی و مطالعات انجام شده درباره گفتمان انقلاب اسلامی.

پژوهش‌های مرتبط با مفهوم «اسوه» در قرآن

مفهوم «اسوه» در قرآن کریم بیشتر در قالب مطالعات مربوط به الگوگیری از سیره انبیا و صالحان مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه، مقاله «اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان» (آذری

فرد و عباسی مقدم، ۱۳۹۰) به بررسی شیوه‌های دعوت و تبلیغ پیامبران و چهره‌های شاخص قرآن پرداخته است. این پژوهش با مطالعه سیره هر اسوه قرآنی، به وجوه آشکار دعوت هر نبی یا ولی اشاره، و برای نمونه حضرت شعیب علیه‌السلام را اسوه اصلاح‌گری اقتصادی و حضرت ذوالقرنین علیه‌السلام را اسوه زمامداری معرفی می‌کند. هرچند این پژوهش بیشتر بر شیوه‌های تبلیغی متمرکز است، اما به‌طور ضمنی به ابعاد حکمرانی اسوه‌های قرآنی نیز اشاره می‌کند.

مقاله «مبانی و شاخص‌های رشد معنوی انسان در قرآن» (قاسمپور، ۱۳۸۶) نیز با تأکید بر الگوی رفتاری اسوه‌های قرآنی، شاخص‌هایی چون خردورزی، ایمان، شرح صدر، اخلاص و اعتدال را در پیامبران به مثابه انسان‌های رشدیافته بررسی کرده است. این پژوهش اگرچه در حوزه انسان‌شناسی قرآنی است، اما می‌تواند برای استخراج شاخص‌های حکمرانی مبتنی بر سیره انبیا نیز مورد استفاده قرار گیرد.

پژوهش‌های مرتبط با حکمرانی در قرآن

در سال‌های اخیر، مطالعات مربوط به حکمرانی قرآنی رشد قابل توجهی یافته است. مقاله «ارزیابی قرآن‌شناختی انگاره‌های حکمرانی نرم پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم از دیدگاه خاورپژوهان» (صفری، کریمی و محمدی مظفر، ۱۴۰۴) با رویکردی انتقادی به بررسی دیدگاه‌های خاورپژوهان درباره الگوی حکمرانی نبوی پرداخته است. این پژوهش با تحلیل مدخل‌های مربوط به پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم در چهار دایره‌المعارف معتبر و با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد، نشان می‌دهد که آنها اغلب با نادیده گرفتن بُعد الهی نبوت، ویژگی‌های حکمرانی نرم پیامبر را به ویژگی‌های فردی ایشان کاهش داده‌اند. یافته‌های این پژوهش بر وجود نسبتی پویا میان انواع حکمرانی نرم، شبکه‌ای و سخت در الگوی نبوی تأکید می‌کند.

پژوهش‌های مرتبط با گفتمان انقلاب اسلامی

درباره گفتمان انقلاب اسلامی و نسبت آن با قرآن، پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است. مقاله «گفتمان انقلاب اسلامی در ادبیات توسعه؛ با تأکید بر اندیشه اجتماعی امام خمینی^(ره)» (جمشیدیها، یوسفوند و نظری‌نیا، ۱۳۹۹) از جمله پژوهش‌هایی است که به بازخوانی مفهوم توسعه از دیدگاه گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته است. این پژوهش با تأکید بر اندیشه اجتماعی امام خمینی^(ره)، گفتمان انقلاب اسلامی را در چارچوب گفتمان پساتوسعه و توسعه مردم‌محور تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که این گفتمان با نقد الگوهای اروپامدارانه توسعه، الگویی پیشرفت‌مدار متناسب با شأن نظام جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد.

مقاله «ریشه‌های قرآنی گفتمان انقلاب اسلامی» (منصوری، ۱۳۹۴) نیز به تبیین مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس قرآن پرداخته است. این پژوهش با دسته‌بندی مؤلفه‌ها به دو قسم اثباتی و سلبی، بر این نکته تأکید دارد که گفتمان انقلاب اسلامی در چارچوب «لا اله الا الله» و اصل تولی و تبری رفتار می‌کند و اثبات جامعه الهی را تنها در صورت حذف ولایت طاغوت ممکن می‌داند. هرچند این مقاله به‌طور مستقیم به دوگانه عبرت/اسوه اشاره نکرده، اما منطق دوگانه نفی طاغوت و اثبات ولایت الهی را تبیین کرده است که با الگوی مورد نظر ما نزدیکی دارد.

ارزیابی و شکاف پژوهشی

مرور پیشینه نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌های مستقلی درباره الگوی دوگانه «عبرت/اسوه» در قرآن و کاربرت آن در تحلیل حکمرانی انجام نشده است. بیشتر پژوهش‌ها یا به مفهوم اسوه در قرآن (بدون توجه به وجه مقابل آن یعنی عبرت) پرداخته‌اند، یا حکمرانی قرآنی را در چارچوب‌های دیگر (مانند حکمرانی نرم) بررسی کرده‌اند، یا گفتمان انقلاب اسلامی را بدون ارتباط نظام‌مند با این الگوی قرآنی تحلیل کرده‌اند. شکاف اصلی این پژوهش در دو نقطه قابل شناسایی است:

- نبود صورتبندی نظری منسجم از دوگانه «عبرت/اسوه» به‌مثابه چارچوبی تحلیلی برای سنجش پیامدهای حکمرانی. پژوهش‌های موجود یا به عبرت (معطوف به سرگذشت اقوام پیشین) پرداخته‌اند یا به اسوه (متمرکز بر سیره انبیا)، اما این دو مقوله را در یک دستگاه تحلیلی واحد و مبتنی بر منطق پیامدنگر قرآن گرد هم نیاورده‌اند.

- نبود تبیین نظام‌مند نسبت گفتمان تأسیسی انقلاب اسلامی با این الگوی قرآنی. با وجود پژوهش‌های فراوان درباره مبانی فکری امام خمینی رحمه‌الله علیه و گفتمان انقلاب اسلامی، بازخوانی این گفتمان در چارچوب الگوی دوگانه «عبرت/اسوه» و منطق پیامدنگر قرآن مغفول مانده است. این پژوهش درصدد است با پر کردن این شکاف‌ها، الگویی تحلیلی مبتنی بر قرآن برای مطالعه حکمرانی ارائه کند و سپس کاربرت آن را در تحلیل گفتمان بنیانگذاران انقلاب اسلامی به آزمون بگذارد.

مفهوم شناسی

حکمرانی

حکمرانی در ادبیات سیاسی معاصر، به شبکه‌ای از نهادها، قواعد، فرایندها و تعاملات اطلاق می‌شود که از طریق آن امور عمومی اداره و منافع جمعی تأمین می‌شود و فراتر از مفهوم «حکومت» بر کیفیت اداره جامعه تأکید می‌کند (گریس، ۲۰۰۵: ۲۱). در منظومه فکری اسلام و قرآن، حکمرانی مجموعه‌ای از عناصری چون هدایت اجتماعی (نحل: ۹۷)، برقراری عدالت و قسط (حدید: ۲۵)، رهبری صالح و مشروع (انبیاء: ۷۳)، مراقبت از پیامدهای اعمال اجتماعی و سیاسی (انعام: ۱۶۵) و مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی حاکمان (سبا: ۴۶) را دربر می‌گیرد. با این وصف، حکمرانی قرآنی فراتر از ساختار اداری صرف، فرایندی هدایت‌گر، اخلاق‌محور و پیامدنگر در سطح کلان جامعه به‌شمار می‌رود.

حکمرانی پیامدنگر

پیامدنگری، ویژگی برجسته‌ای است که قرآن، عمل حکومت‌ها و جوامع را بر اساس نتایج و پیامدهای واقعی اجتماعی، اخلاقی و سیاسی ارزیابی می‌کند. شواهد قرآنی گوناگونی بر اهمیت پیامدها تأکید دارد؛ از جمله، یادآوری آثار اجتماعی ظلم (قصص: ۴)، پیامد رهبری ناصالح (اسراء: ۱۶) و عاقبت ملت‌های غافل یا سست‌عنصر (یونس: ۹۸). در برابر، نتایج حکمرانی پیامبران (ص: ۲۰ - ۲۶؛ یوسف: ۵۵) به‌عنوان معیار مطلوب ارائه می‌شود. در این چارچوب، حکمرانی مطلوب بر اساس پیامدهایی مانند عدالت، امنیت، رشد اجتماعی، استحکام جامعه، کرامت و توحیدمحوری سنجیده می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۵).

عبرت

عبرت به‌معنای درس‌گیری فعال از سرانجام حکومت‌های نادرست است؛ تحلیلی که ریشه در سستی‌ها و ظلم‌های حکومت‌های پیشین دارد و پیامدهای سقوط آن‌ها را به‌عنوان هشدار جدی مطرح می‌سازد. این مفهوم ویژگی‌های پیامدمحوری و قابلیت انتقال دارد و در نقد نظام‌های ناکارآمد (مانند نقد نظام پهلوی) به‌کار می‌رود. این رویکرد، مرزهای ممنوعه و مسیرهای انحرافی را در حکمرانی مشخص می‌سازد (امام خمینی^(ع)، ۱۳۵۸، ج ۳: ۱۱۲؛ قصص: ۴۰).

اسوه

اسوه به‌معنای الگوی عملی و کامل است که امکان الگوبرداری و تقلید در تمامی سطوح جامعه را فراهم می‌آورد. در ادبیات دینی، اسوه (مانند پیامبر اکرم) نمونه‌ای از رهبری فقیه عادل، عدالت‌محور

و مستقل است (احزاب: ۲۱). در الگوی پژوهش، اسوه شاخص‌های نظام مطلوب را تعریف می‌کند؛ یعنی مشخص می‌سازد که حکومت مطلوب باید بر چه اصولی استوار باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹۲).

دوگانه عبرت/اسوه

الگوی تحلیلی این پژوهش بر اساس دو مفهوم مکمل و متضاد (عبرت - اسوه) در ادبیات قرآنی بنا شده است. این دوگانه، الگوی تحلیلی کاملی برای سنجش عملکرد نظام‌ها ارائه می‌کند و به‌عنوان ابزار سنجش کامل، مرزهای خطا و انحراف را (تعیین‌شده توسط عبرت) از مسیرهای مطلوب و آرمانی (تعیین‌شده توسط اسوه) جدا می‌کند و چارچوبی جامع برای ارزیابی عملکرد نظام‌ها فراهم می‌کند. «عبرت»، مرزهای ممنوع حکمرانی و شاخص‌های منفی را مشخص می‌کند و «اسوه»، الگوهای مطلوب و پیامدهای پیشرفت را ترسیم می‌کند.

جامعه‌سازی

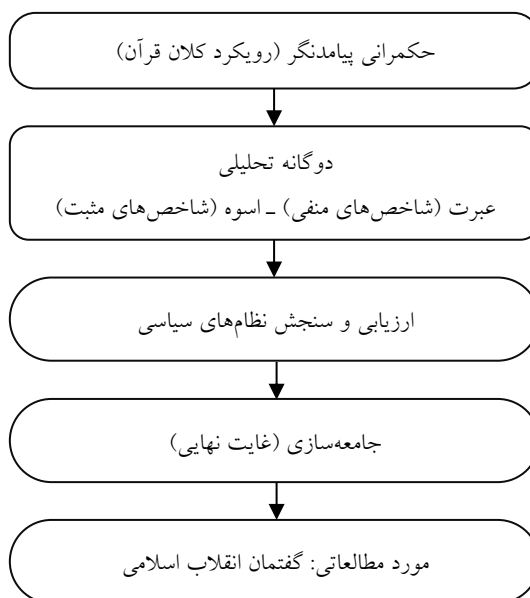
جامعه‌سازی فرایند فعال و هدفمند هدایت و سازماندهی جامعه بر اساس اصول توحیدی است (اعراف: ۱۵۹؛ یونس: ۱۰۳). پیامبران نه فقط پیام‌آور، بلکه سازندگان جوامع هستند. این مفهوم، غایت نهایی الگوی حکمرانی قرآنی است که تحقق عینی جامعه هدایت‌یافته با تکیه بر شاخص‌های اسوه و پرهیز از شاخص‌های عبرت را ترسیم می‌کند. این فرایند در انقلاب اسلامی به‌مثابه طرح ساخت نظم سیاسی - اجتماعی مبتنی بر دین تبلور یافته است.

تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان به‌عنوان روش‌شناسی، چگونگی ساخت معنا در متن و گفتار، و بررسی نقش زبان در ساخت واقعیت اجتماعی و ایدئولوژی را مطالعه می‌کند (فرانکل، ۲۰۱۰: ۱۵۰). کاربرد این روش در پژوهش، ردیابی مفاهیم محوری «عبرت/اسوه» در متون رسمی و فکری انقلاب اسلامی و آشکارسازی پیوند ساختاری آن با الگوی قرآنی حکمرانی است.

حکمرانی قرآنی

حکمرانی قرآنی نظام مفهومی جامعی است که تمام ابعاد حکمرانی را پوشش می‌دهد. این نظام، تلفیقی هماهنگ از اصول الهی (مبانی معرفتی)، اصول اخلاقی (معیارهای عملی)، چارچوب‌های نهادی (ساختارهای اجرایی) و اصل پیامدنگری (شاخص‌های ارزیابی و تمرکز بر نتایج) است و هدف اصلی آن استقرار جامعه‌ای است که در پرتو عدل الهی هدایت شود. در این پژوهش، حکمرانی قرآنی با الگوی دوگانه پیامدنگر عبرت/اسوه تحلیل می‌شود.



نمودار ۱. تحلیلی چارچوب مفهومی پژوهش

این نمودار مسیر پژوهش را از قرآن (نظریه) — الگوی تحلیلی (عبرت/اسوه) — کاربرد در انقلاب اسلامی (مورد مطالعاتی) نشان می‌دهد و ارتباط مفاهیم کلیدی و شاخص‌ها را به شکل یکپارچه ارائه می‌کند.

چارچوب نظری

برای صورت‌بندی الگوی دوگانه «عبرت/اسوه» به‌مثابه چارچوبی تحلیلی در مطالعات حکمرانی، لازم است ابتدا مبانی نظری این دو مفهوم در قرآن کریم تبیین شود؛ سپس نسبت آن‌ها با یکدیگر در قالب الگوی مفهومی منسجم ارائه شود. چارچوب نظری پژوهش بر سه محور اساسی استوار است: مفهوم‌شناسی «عبرت» و شاخص‌های قرآنی آن، مفهوم‌شناسی «اسوه» و مؤلفه‌های آن، و تبیین منطق پیامدنگر قرآن که این دو را در یک دستگاه تحلیلی واحد گرد هم می‌آورد.

مفهوم‌شناسی و مبانی نظری «عبرت» در قرآن: واژه «عبرت» در قرآن کریم تنها یک‌بار به‌صورت مستقیم در آیه ۱۳ سوره آل عمران به‌کار رفته است: «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ». با این حال، مفهوم عبرت با واژگان هم‌خانواده‌ای چون «اعتبار»، «تدبیر»، «تذکر»

و «تفکر» پیوندی عمیق دارد و مجموعه‌ای از آیات را در بر می‌گیرد که بر ضرورت درس‌آموزی از سرگذشت پیشینیان تأکید می‌کنند.

معناشناسی عبرت در قرآن: «عبرت» در لغت به معنای گذشتن از چیزی به چیز دیگر و نیز تأمل و اندیشه‌ای است که انسان را از مشاهده محسوس به معرفت معقول رهنمون می‌سازد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۴۳). در اصطلاح قرآنی، عبرت فرایندی شناختی - وجودی است که طی آن، انسان با مشاهده سرنوشت اقوام گذشته، میان کردار آنان و پیامدهای نهایی‌اش ارتباط برقرار می‌کند و به معرفتی دست می‌یابد که می‌تواند الگوی رفتاری او را در زمان حال تصحیح کند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، عبرت را «نوعی تفکر و تدبر در احوال گذشتگان برای تمیز حق از باطل و تشخیص راه سعادت از شقاوت» تعریف می‌کند (المیزان، ذیل آیه ۱۳ آل عمران).

ابعاد و شاخص‌های عبرت در حکمرانی: از دیدگاه قرآن، «عبرت» تنها موعظه اخلاقی نیست، بلکه اصل معرفتی - تاریخی برای تحلیل و ارزیابی نظام‌های سیاسی است. بر اساس آیات گوناگون، می‌توان شاخص‌های زیر را برای «عبرت‌آموزی» در حوزه حکمرانی استخراج کرد:

الف) شاخص عدالت‌گستری یا ظلم‌پیشگی: قرآن سرنوشت حکومت‌ها را به میزان پابندی آنان به عدالت پیوند می‌زند. آیات مربوط به اقوام عاد، ثمود، مدین و فرعونیان نشان می‌دهد که ظلم و طغیان حاکمان، مهم‌ترین عامل زوال آنان بوده است (هود: ۵۹ - ۶۸؛ قصص: ۴ - ۶).

ب) شاخص استضعاف یا استکبار: یکی از معیارهای ارزیابی در قرآن، چگونگی رویارویی حاکمان با مستضعفان است. حکومت‌های عبرت‌آموز (مثبت) آن‌هایی هستند که به یاری مستضعفان می‌شتابند (قصص: ۵) و حکومت‌های عبرت‌انگیز (منفی) آن‌هایی هستند که مستضعفان را به استضعاف خود ادامه می‌دهند (ابراهیم: ۱۳).

ج) شاخص سنت‌های الهی: قرآن بر جریان سنت‌های تغییرناپذیر الهی در تاریخ تأکید می‌کند: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ۴۳). این سنت‌ها عبارت است از: سنت ابتلا (بقره: ۱۵۵)، سنت استدراج (انعام: ۴۴)، سنت امهال (ابراهیم: ۴۲)، سنت مهلت‌دهی و سپس اخذ ناگهانی (اعراف: ۱۸۲ - ۱۸۳). این سنت‌ها چارچوب قطعی ارزیابی عملکرد حاکمان را تشکیل می‌دهد.

د) شاخص رابطه با معنویت و دینداری مردم: قرآن نشان می‌دهد که انحطاط جوامع، بیشتر با بی‌توجهی حاکمان به معنویت و دین‌گریزی مردم همراه است. حضرت شعیب علیه‌السلام خطاب به

قوم خود می‌فرماید: «وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ... وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (هود: ۸۴ - ۸۵) و این پیامدهای سوء رفتار اقتصادی و اجتماعی را به آنان گوشزد می‌کند.

کارکرد عبرت در تحلیل سیاسی: بر اساس این شاخص‌ها، «عبرت» در قرآن ابزاری تحلیلی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد علل سقوط و زوال نظام‌های سیاسی را شناسایی کند؛ پیامدهای سوء سیاست‌های ظالمانه را پیش‌بینی کند و از تکرار تاریخ در جوامع معاصر جلوگیری کند. به تعبیر دیگر، «عبرت» منطق هشداردهنده قرآن است که با ارائه «الگوهای شکست»، امکان بازنگری در مسیر حکمرانی را فراهم می‌آورد.

مفهوم‌شناسی و مبانی نظری «اسوه» در قرآن: واژه «اسوه» در قرآن کریم دو بار به کار رفته است: یک‌بار درباره حضرت ابراهیم علیه‌السلام و مؤمنان همراه وی (ممتحنه: ۴) و بار دیگر به صورت مطلق درباره ایشان (ممتحنه: ۶). مفهوم اسوه در قرآن با واژگانی چون «قدوة»، «امام» و «هدی» پیوند معنایی دارد.

معناشناسی اسوه در قرآن: «اسوه» در لغت به معنای مقتدا و پیشوا و حالتی است که انسان در پیروی از دیگری اختیار می‌کند (ابن منظور، لسان‌العرب، ذیل «اسو»). در اصطلاح قرآنی، اسوه به شخصیتی اطلاق می‌شود که به دلیل برخورداری از کمالات معنوی و عملی، می‌تواند الگوی دیگران در مسیر هدایت قرار گیرد. علامه طباطبایی اسوه را «کسی که انسان در اقوال، افعال و احوال خود از او تبعیت می‌کند، چه در خیر و چه در شر» معنا کرده، اما تأکید می‌کند که در کاربرد قرآنی، اسوه بیشتر برای الگوهای مثبت به کار می‌رود (المیزان، ذیل ممتحنه: ۴).

ابعاد و شاخص‌های اسوه در حکمرانی: قرآن کریم اسوه‌های حکمرانی را در سیره پیامبران و صالحان معرفی می‌کند. بر اساس آیات، می‌توان شاخص‌های زیر را برای «اسوه‌بودن» در عرصه حکمرانی استخراج کرد:

الف) شاخص توحید و یکتاپرستی: نخستین ویژگی همه اسوه‌های قرآنی، دعوت به توحید و مبارزه با شرک است. حضرت نوح علیه‌السلام خطاب به قوم خود می‌گوید: «اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (اعراف: ۵۹). توحید در اندیشه و عمل، پایه اصلی الگوی حکمرانی قرآنی است.

ب) شاخص عدالت و قسط: اسوه‌های قرآنی همواره برپایی قسط را هدف اصلی رسالت خود معرفی می‌کنند. حضرت داود علیه‌السلام به عنوان خلیفه الهی مأمور به حکم کردن به حق و عدل است: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶).

ج) **شاخص استقامت و پایداری:** یکی از بارزترین ویژگی‌های اسوه‌های قرآنی، استقامت در برابر مشکلات و مخالفت‌ها است. خداوند به پیامبر اکرم (ص) فرمان می‌دهد: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» (هود: ۱۱۲). استقامت در راه هدف، وجه مشترک همه پیامبران اولوالعزم است.

د) **شاخص رحمت و مهربانی:** اسوه‌های قرآنی در عین صلابت، نسبت به مردم سرشار از رحمت و مهربانی هستند. خداوند درباره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹).

هـ) **شاخص امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری:** اسوه‌های قرآنی امین امت خود هستند. حضرت یوسف علیه‌السلام وقتی مسئولیت خزانهداری را می‌پذیرد، خود را «حَفِیْظٌ عَلِیمٌ» (حافظ و دانا) معرفی می‌کند (یوسف: ۵۵). حضرت موسی علیه‌السلام نیز خطاب به شعیب علیه‌السلام خود را امین معرفی می‌کند (قصص: ۲۶).

و) **شاخص مردم‌داری و مشارکت‌جویی:** قرآن در سیره پیامبر اکرم (ص) بر مشورت با مردم تأکید کرده است: «وَ شَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹). این نشان می‌دهد که الگوی حکمرانی اسوه‌ها، مبتنی بر تعامل و مشارکت مردم است.

کارکرد اسوه در تحلیل سیاسی: بر اساس این شاخص‌ها، «اسوه» در قرآن الگویی عملیاتی است که ویژگی‌های حکمرانی مطلوب را در قالب نمونه‌های عینی ارائه می‌کند؛ مسیر تعالی و پیشرفت جوامع را بر اساس سنت‌های الهی ترسیم می‌کند و امکان ارزیابی نظام‌های سیاسی موجود را با تطبیق بر این الگوها فراهم می‌آورد.

منطق پیامدنگر قرآن و پیوند عبرت و اسوه: پرسش اساسی این است که عبرت و اسوه چه نسبتی با یکدیگر دارند و چگونه می‌توان آن‌ها را در چارچوب تحلیلی واحد گرد آورد؟ پاسخ در «منطق پیامدنگر قرآن» نهفته است.

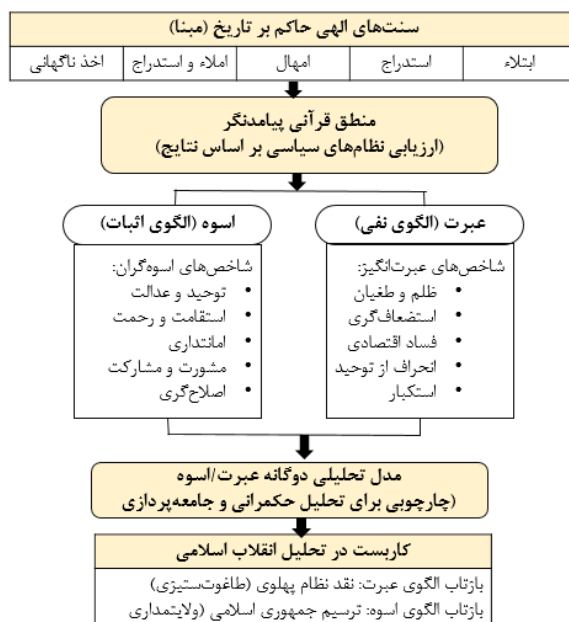
ماهیت منطق پیامدنگر قرآن: منطق پیامدنگر در قرآن به این معنا است که ارزش و اعتبار نظام سیاسی، جریان اجتماعی یا روش فردی، نه تنها بر اساس نیت‌ها یا ساختارهای صوری، بلکه بر پایه نتایج عینی و تاریخی آن سنجیده می‌شود. قرآن با ارائه دو دسته آیات، این منطق را عملیاتی می‌کند: **دسته اول:** آیاتی که نتایج حکومت‌های ظالمانه را نشان می‌دهد: «فَكَأَيُّ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فِیهَا خَاوِبَةٌ عَلٰی عُرُوشِهَا» (حج: ۴۵). این آیات کاریست «عبرت» هستند.

دسته دوم: آیاتی که نتایج حکومت‌های صالحان را نوید می‌دهد: «وَعَدَالَهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵). این آیات کاربست «اسوه» هستند. پیوند دیالکتیکی عبرت و اسوه: در منطق قرآن، عبرت و اسوه دو روی یک سکه هستند: **عبرت:** منطق «نفی» و «تبری» است؛ به ما می‌آموزد از چه الگوهایی باید پرهیز کرد و چه مسیرهایی به انحطاط می‌انجامد.

اسوه: منطق «اثبات» و «تولی» است؛ به ما می‌آموزد به چه الگوهایی باید اقتدا کرد و چه مسیرهایی به تعالی می‌رساند.

این دوگانه، بازتابی از اصل قرآنی «لا اله الا الله» در عرصه حکمرانی است: نفی هرگونه طاغوت و الگوی باطل (عبرت) و اثبات ولایت الهی و الگوی حق (اسوه). به بیان دیگر، هرگونه جامعه‌سازی قرآنی، عبور از آنچه سبب عبرت است (نظام‌های طاغوتی) و حرکت به‌سوی آنچه اسوه هست (نظام توحیدی) نیاز دارد.

الگوی مفهومی پژوهش: بر اساس مبانی نظری یادشده، الگوی مفهومی این پژوهش را می‌توان به‌صورت زیر ترسیم کرد.



تبیین الگو: این الگو نشان می‌دهد که سنت‌های الهی (مانند سنت استخلاف صالحان و سنت هلاکت ظالمان) به‌عنوان مبنا، چارچوب قطعی حاکم بر تاریخ را تشکیل می‌دهد؛ منطق پیامدنگر قرآن به‌عنوان روش، امکان سنجش نظام‌های سیاسی را بر اساس نتایج عینی آن‌ها (نه تنها نیت‌ها یا ساختارهای صوری) فراهم می‌آورد؛ دوگانه عبرت/اسوه به‌عنوان ابزار تحلیلی، دو وجه مکمل را در اختیار می‌گذارد: (الف) شناسایی شاخص‌های انحطاط و زوال (عبرت)؛ (ب) شناسایی شاخص‌های تعالی و پیشرفت (اسوه) و کاربست در تحلیل انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که چگونه گفتمان بنیان‌گذاران انقلاب، با بهره‌گیری از این الگوی دوگانه، هم نقد نظام پهلوی را بر مبنای عبرت سامان داده، و هم ترسیم جمهوری اسلامی را بر اساس اسوه صورت داده است.

نوآوری الگو: نوآوری این الگو در تلفیق دو مفهوم «عبرت» و «اسوه» در یک چارچوب تحلیلی واحد که تا کنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است نیز عملیاتی‌سازی شاخص‌های قرآنی برای سنجش عینی نظام‌های سیاسی و ایجاد پل میان مطالعات قرآنی و تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی است.

روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش بنیادی - توسعه‌ای با هدف تدوین الگوی نظری نوین تحت عنوان «الگوی دوگانه عبرت/اسوه» در حوزه حکمرانی اسلامی است.

ماهیت و راهبرد: پژوهش از ماهیت کیفی برخوردار است و راهبرد چندروشی را دنبال می‌کند. رویکرد غالب، روش‌شناسی توصیفی - تحلیلی، استوار بر دو بستر متنی است:

بستر استخراج الگو: تحلیل محتوای کیفی قرآن کریم برای استخراج ابعاد نظری الگو

بستر آزمون الگو: تحلیل گفتمان متون بنیادین انقلاب اسلامی برای سنجش و تعمیق کاربرد الگو

در بستر سیاسی - اجتماعی

جامعه پژوهش، نمونه‌گیری و تعاریف عملیاتی

جامعه قرآنی (بستر استخراج): شامل تمامی آیات مرتبط با مؤلفه‌های حکمرانی، سنن الهی و

پیامدهای عدالت یا ظلم (با تأکید بر سرگذشت پیامبران)

روش نمونه‌گیری: هدفمند و مبتنی بر اشباع نظری در مراحل اولیه استخراج شناسه. گردآوری

داده‌ها بر اساس تفاسیر موضوعی و کلیدواژه‌های محوری (مانند «سنت‌الله»، «أولی الامر»، «ظلم»).

جامعه متون انقلاب اسلامی (بستر آزمون): شامل سخنرانی‌ها، پیام‌ها و متون مکتوب اندیشمندان و رهبران اصلی شکل‌گیری نظام (به‌ویژه امام خمینی^(ره) و شهید مطهری) در بازه تأسیسی (۱۳۵۷ - ۱۳۶۸) که به نقد گذشته و ترسیم آرمان‌ها پرداخته‌اند.

نمونه‌های شاخص: کتاب «ولایت فقیه»، خطبه‌های نماز جمعه تهران در سال‌های اولیه انقلاب و مباحث مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

تعاریف عملیاتی الگوی دوگانه

- عبرت: ناظر بر تجربیات تاریخی شکست‌خورده حکمرانی و نتایج ویرانگر رویه‌های غیر الهی (الگوهای منفی برای پرهیز)

- اسوه: ناظر بر الگوهای آرمانی و متعالی حکمرانی مبتنی بر آموزه‌های دینی و سیره معصومین علیهم‌السلام (الگوهای مثبت برای تحقق)

روش و ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌های مورد استفاده در هر دو بستر، متنی است. ابزار اصلی گردآوری و ثبت داده‌ها، فیش‌برداری ساختاریافته است. این فیش‌ها شامل ثبت دقیق متن، ذکر کامل منبع، ذکر زمینه تاریخی/قرآنی و استخراج شناسه‌های اولیه (شناسه‌های باز) است.

روش تحلیل داده‌ها (دو مرحله متوالی)

تحلیل داده‌ها در دو مرحله متوالی و تعاملی انجام شد:

۱. مرحله اول: تحلیل محتوای کیفی (استقرایی) با هدف استخراج الگو به شرح زیر است:
۲. شناسه‌گذاری باز: استخراج مفاهیم اولیه از متون قرآنی
۳. شناسه‌گذاری محوری: دسته‌بندی مفاهیم استخراج‌شده ذیل دو مقوله اصلی: عبرت (شامل زیرمقولاتی مانند ظلم و سرکشی) و اسوه (شامل زیرمقولاتی مانند عدالت و رهبری الهی)
- شناسه‌گذاری گزینشی: تعریف نهایی مقولات هسته و تبیین روابط منطقی بین آنها برای شکل‌گیری الگوی نظری نهایی (الگوی دوگانه)

مرحله دوم: تحلیل گفتمان متون انقلاب اسلامی (با الهام از رویکرد فرکلاف) هدف: آزمون الگو: الگوی به‌دست‌آمده از مرحله اول (عبرت/اسوه) به عنوان چارچوب شناسه‌گذاری اولیه برای تحلیل گفتمان متون انقلاب به‌کار رفت. تحلیل در سه سطح صورت گرفت:

۱. توصیف (تحلیل متن): شناسایی واژگان، استعاره‌ها و ساختارهای بیانی کلیدی (مانند «طاغوت»، «عدالت اسلامی»)

۲. تفسیر (تحلیل فرایند تولید): تحلیل چگونگی بازتاب نظام پهلوی در چارچوب شاخص‌های عبرت و بازتاب نظام جمهوری اسلامی در چارچوب شاخص‌های اسوه در گفتمان مؤسس

۳. تبیین (تحلیل اجتماعی): بررسی نقش این بازنمایی‌های گفتمانی در فرایندهای مشروعیت‌زدایی از رژیم گذشته و مشروعیت‌بخشی به نظم نوین سیاسی

روایی، پایایی و استحکام یافته‌ها

روایی درونی: از راه بازبینی و تأیید فرایند شناسه‌گذاری (از باز تا گزینشی) و دستیابی به چارچوب نهایی توسط دو نفر صاحب‌نظر مستقل در حوزه تخصصی مربوط تضمین شده است.

پایایی (قابلیت تکرار): از راه مستندسازی گام‌به‌گام فرایند تحلیل و ثبت دقیق منبع داده‌ها، امکان پیگیری تحلیل فراهم شده است.

استحکام یافته‌ها: تقویت اعتبار یافته‌ها از راه به‌کارگیری مثلث‌سازی روش‌شناختی (ترکیب تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان)

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن کریم نشان داد که حکمرانی پیامدنگر در قرآن، در قالب الگویی دوگانه و نظام‌مند صورت‌بندی می‌شود. دو پایه مکمل «عبرت» (الگوی هشدار/منفی) و «اسوه» (الگوی آرمانی/مثبت)، سنن الهی حاکم بر سقوط و تعالی جوامع را ترسیم می‌کند و چارچوبی تحلیلی - تجویزی ارائه می‌کند.

مؤلفه‌ها و شاخص‌های پایه «عبرت» (الگوی هشدار)

یافته‌ها نشان می‌دهد که سنن الهی مرتبط با سقوط حکومت‌ها، حول محور مفهوم کلیدی «ظلم» (نحل: ۵۰) و «فساد در زمین» (بقره: ۱۱) سازمان می‌یابد. این مفاهیم، در قالب شاخص‌های عینی و قابل تشخیصی چون «استبداد و تکبر» حاکمان (قصص: ۴)، «اشرافی‌گری» (آل عمران: ۱۸۷)، «وابستگی به قدرت‌های بیگانه» (بقره: ۲۸) و «طغیان» (هود: ۹۹) ظهور می‌یابد. این شاخص‌ها در منطق قرآنی، تنها رفتارهای اخلاقی ناپسند نیست، بلکه علل ساختاری و الزام‌آور سقوط است که پیامدهایی قطعی مانند «هلاکت» (عنکبوت: ۴) و «فروپاشی اجتماعی» را سبب می‌شود.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های پایه «عبرت» (الگوی هشدار)

شاخص کلیدی	نمونه آیه	ارجاع تفسیری	پیامد محوری (طبق سنن الهی)
ظلم	نحل: ۵۰	المیزان، ج ۱۰، ص ۲۰۲	هلاکت و نابودی
فساد اقتصادی - اجتماعی	بقره: ۱۱	تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۵۴	بحران و فروپاشی درونی
استبداد و تکبر حاکمان	قصص: ۴	المیزان، ج ۱۱، ص ۳۲	زوال مشروعیت
اشرافی‌گری	آل عمران: ۱۸۷	المیزان، ج ۵، ص ۹۰	شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی
وابستگی به قدرت بیگانه	بقره: ۲۸	تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۰۲	از دست رفتن استقلال و حاکمیت
طغیان و عصیان	هود: ۹۹	المیزان، ج ۱۲، ص ۳۴۰	سقوط ناگهانی و مجازات الهی

مؤلفه‌ها و شاخص‌های پایه «اسوه» (الگوی آرمانی)

در برابر، سنن الهی منجر به تعالی، بر محور «عدالت و قسط» (الرحمن: ۹؛ حدید: ۲۵) و «هدایت» استوار است. این آرمان در قالب شاخص‌هایی چون «رهبری مبتنی بر وحی» (آل عمران: ۱۶۳)، «مشورت» (شوری: ۳۸)، «امانتداری» (نساء: ۵۸)، «استقلال و اعتماد به خدا» (آل عمران: ۱۰۳) و «تقوا» عملیاتی می‌شود. پیامد حاکمیت این شاخص‌ها، «آبادانی» (بقره: ۲۵)، «عزت»، «پیشرفت» و «هدایت جمعی» است.

جدول ۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های پایه «اسوه» (الگوی آرمانی)

شاخص کلیدی	نمونه آیه	ارجاع تفسیری	پیامد محوری (طبق سنن الهی)
عدالت و قسط	الرحمن: ۹	المیزان، ج ۱۳، ص ۱۵۰	آبادانی، استحکام و ثبات اجتماعی
رهبری مبتنی بر هدایت	آل عمران: ۱۶۳	تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۵۵	هدایت جامعه و حفظ مسیر حق
مشورت (شوری)	شوری: ۳۸	المیزان، ج ۱۴، ص ۲۳۰	مشارکت، تعادل و جلوگیری از استبداد
امانتداری	نساء: ۵۸	تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۵۵	ایجاد اعتماد عمومی و مسئولیت‌پذیری
استقلال و اعتماد به خدا	آل عمران: ۱۰۳	المیزان، ج ۹، ص ۱۹۵	حفظ حاکمیت ملی و عزت
تقوای حاکمان	آل عمران: ۱۰۲	تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۸۰	ضمانت اخلاقی اجرای عدالت

صورتبندی الگوی تحلیلی: ماتریس ارزیابی دوگانه

تعامل این دو پایه، ماتریس ارزیابی پویا را ایجاد می‌کند. هر نظام حکمرانی را می‌توان در محور مختصاتی متشکل از «میزان تجلی شاخص‌های اسوه» و «میزان ابتلاء به شاخص‌های عبرت» سنجید. این الگو، هم چارچوبی تشخیصی برای تحلیل وضع موجود و هم ابزاری تجویزی برای ترسیم وضع مطلوب فراهم می‌آورد.

انطباق گفتمان انقلاب اسلامی با الگوی قرآنی

پس از استخراج الگو، این چارچوب به‌عنوان ابزاری تحلیلی برای واکاوی گفتمان تأسیسی انقلاب اسلامی به‌کار گرفته شد. یافته‌ها حاکی از بازتولید آگاهانه و ساختاریافته شاخص‌های الگو در این گفتمان است.

نقد نظام پیشین: بازنمایی «عبرت» برای مشروعیت‌زدایی

گفتمان تأسیسی انقلاب اسلامی، که در کلام امام خمینی^(ره) و شهید مطهری آشکارا دیده می‌شود، با استفاده دقیق از واژگان و مفاهیم پایه «عبرت»، به نقد رژیم پهلوی پرداخته است. این گفتمان، آن نظام را ذیل شاخص‌هایی چون «ظالم»، «مستبد»، «وابسته» و «مفسد» قرار داد که به‌طور مستقیم با سنن سقوط در قرآن مطابقت دارد. هدف این بازنمایی، نه‌تنها توصیف، که مشروعیت‌زدایی رادیکال و نشان‌دادن ضرورت گسست از نظم گذشته به‌عنوان مصداق عینی «عبرت» تاریخی بود. این نقد، بستر نظری را برای ترسیم الگوی مقابل یعنی «اسوه» فراهم آورد.

جدول ۳. بازنمایی «عبرت» برای مشروعیت‌زدایی

شاخص عبرت	نقل قول گفتمانی	منبع	کارکرد گفتمانی
ظلم و استبداد	«این رژیم ملت را به ستوه آورده است.»	صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۵	برجسته‌سازی ستم و ایجاد حس اضطراب برای تغییر
فساد و وابستگی	«فساد اقتصادی بیداد می‌کرد... اسیر بیگانگان بود.»	صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳؛ ج ۲، ص ۳۷	نشان‌دادن ناکارآمدی و وابستگی
فاصله طبقاتی / اشرافی‌گری	«دولت باید در خدمت توده‌های مردم باشد نه در خدمت عده‌ای معدود از ثروتمندان و زمین‌داران»	صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۰	افشای بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی
تضعیف بنیان‌های دینی	«اسلام را از سیاست جدا کردند و فرهنگ غرب را ترویج کردند.»	مطهری، مجموعه آثار، ج ۳؛ صحیفه امام (مواضع فرهنگی)	توجیه لزوم حکومت اسلامی و نفی نظام سکولار

ترسیم نظام آرمانی: بازنمایی «اسوه» برای مشروعیت‌بخشی و سوزده‌سازی

در تقابل با تصویر پیشین (عبرت)، گفتمان انقلاب اسلامی برای ترسیم جمهوری اسلامی، به‌صورت نظام‌مند از شاخص‌های «اسوه» بهره برده است. این ترسیم، طرحی برای مشروعیت‌بخشی فراحقوقی بود که خود را وارث سنت تعالی قرآنی می‌دانست. تأکید بر «عدالت اسلامی»، «ولایت فقیه» به‌عنوان تداوم گفتمان هدایت الهی، «استقلال» و «مشورت»، ابعاد این الگوی آرمانی را ساخت.

این بازنمایی «اسوه» تنها توصیفی نبود؛ بلکه کارکردی عملیاتی در سوژه‌سازی گفتمانی داشت. با ترسیم آرمان‌هایی چون عدالت فراگیر، مخاطب (توده مردم) به «شهروند انقلابی متعهد» تبدیل می‌شد که وظیفه تاریخی خود را در تحقق این آرمان‌ها تعریف می‌کرد و تداوم این آرمان‌ها در کلام رهبر فعلی، مسیر تحقق را همواره روشن نگه داشته است.

جدول ۴. بازنمایی «اسوه» برای مشروعیت‌بخشی و سوژه‌سازی

شاخص اسوه	نقل قول گفتمانی	منبع	کارکرد گفتمانی
عدالت	«عدالت اسلامی اساس حکومت است.»	صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۲	جلب اعتماد عمومی و تعیین غایت حکومت
رهبری الهی	«ولایت فقیه ادامه رهبری الهی است»	صحیفه امام، ج ۱، ص ۹۸	اعطای مشروعیت دینی و فراتاریخی به رهبری
استقلال	«استقلال کشور خط قرمز انقلاب است.»	صحیفه امام، ج ۲، ص ۷۷	تقویت هویت ملی و حاکمیت
مشورت و مشارکت	«در این جمهوری اسلامی، میزان رأی ملت است.»	صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۸۸	جذب مشارکت توده‌ای و تعریف سوژه انقلابی
تکامل معنوی	«هدف این است که انسان‌ها تزکیه شوند و خود را به خدا نزدیک کنند.»	مطهری، مجموعه آثار، ج ۳ (مطالبات اصلی)	تعریف غایت غایی نظام و مسیر فردی/اجتماعی

تحلیل تطبیقی: هم‌راستایی ساختاری و کارکرد سیاسی

مقایسه نظام‌مند شاخص‌ها، هم‌راستایی ساختاری کاملی را بین الگوی قرآنی و گفتمان انقلاب آشکار می‌سازد. این انطباق تصادفی نیست، بلکه نشان‌دهنده درونی‌شدن عمیق الگوی قرآنی در هندسه معرفتی بنیانگذاران انقلاب است. این الگو به صورتی کارآمد به خدمت گرفته شد: «عبرت» به‌مانند ابزاری برای تخریب مشروعیت رژیم گذشته، و «اسوه» به‌عنوان الگویی برای ساخت مشروعیتی جدید مبتنی بر ارزش‌های دینی. این فرایند، همان «اسوه‌سازی در پرتو عبرت‌زدایی» است که در چکیده به آن اشاره شد.

جمع‌بندی و تلفیق: انقلاب اسلامی به‌مثابه اسوه معاصر

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، یافته‌ها آشکارا نشان می‌دهد که:

۱. الگوی دوگانه «عبرت/اسوه» را می‌توان به‌عنوان چارچوب تحلیلی منسجم و عملیاتی از حکمرانی قرآنی استخراج و صورت‌بندی کرد.

۲. گفتمان انقلاب اسلامی، بازتولید آگاهانه و هدفمند این الگو است؛ به گونه‌ای که با نقد نظام پهلوی بر مبنای «عبرت» و ترسیم نظام جمهوری اسلامی بر اساس «اسوه»، در پی تحقق دگرگونی تمدنی بر مبنای سنن الهی بوده است؛ بنابراین، انقلاب اسلامی را می‌توان نمایشی تاریخی و عینی از کاربست الگوی حکمرانی پیامدنگر قرآن دانست. این نتیجه، هم قدرت تبیین‌گری و توان ارزیابی الگوی پیشنهادی را تأیید می‌کند و هم ژرفای نظریه سیاسی انقلاب را در پیوندی ناگسستنی با متون دینی آشکار می‌سازد.

بحث درباره یافته‌ها (تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی)

یافته‌های استخراج‌شده از تحلیل گفتمان امامین انقلاب در دو محور «عبرت» (نقد وضع موجود پیش از انقلاب) و «اسوه» (ترسیم آرمان‌های جمهوری اسلامی) به صورت منسجم و مستدل، مشروعیت‌بخشی و سوژه‌سازی گفتمانی را تبیین می‌کند. بحث در این بخش مبتنی بر مبانی سه‌گانه توحیدی و تداوم گفتمان تأسیسی است.

تحلیل کارکرد «عبرت»: توجیه ضرورت تأسیس دولت دینی

جدول شاخص‌های «عبرت» نشان داد که گفتمان انقلاب، نظام پیشین را نه تنها نظام سیاسی ناموفق، بلکه نظام متناقض با مبانی توحیدی و عدالت اسلامی معرفی کرده است.

۱. توجیه استبدادستیزی مبتنی بر توحید: شاخص‌هایی چون «ظلم و استبداد» و «فساد و وابستگی» که ریشه در تأکید امام خمینی^(ره) بر عدم پذیرش حاکمیت غیر الهی دارند، زمینه را برای پذیرش حاکمیت فقیه فراهم ساخت. این نقد، ماهیت ضد توحیدی و طاغوتی رژیم گذشته را برجسته کرد.

۲. مستندسازی شکاف طبقاتی (اشرافی‌گری): با استفاده از نقل‌قول‌های مستقیم از صحیفه امام در مورد فاصله طبقاتی (ج ۲۱: ۲۸۰)، تحلیل نشان می‌دهد که گفتمان انقلاب، اقتصاد را از عدالت جدا نمی‌داند و مبارزه با تمرکز ثروت را بخشی از تکلیف دینی دولت جدید تعریف کرده است. این امر، پایگاه اجتماعی گسترده‌ای را برای انقلاب بسیج کرد که تنها سیاسی نبود، بلکه اقتصادی نیز بود.

۳. نفی وابستگی فرهنگی: شاخص «تضعیف بنیان‌های دینی» که در آثار شهید مطهری و امام خمینی^(ره) برجسته است، کارکردی دوچندان داشت: نقد غرب‌زدگی و تأکید بر هویت اصیل اسلامی، که لازمه تحقق استقلال فرهنگی بود و مشروعیت گفتمان تأسیسی را تقویت می‌کرد. شاخص‌های «عبرت» با متمرکز کردن نقد بر مبانی ظلم، فساد و شکاف طبقاتی نظام پیشین، «ضرورت تأسیس»

نظام مبتنی بر عدالت توحیدی را به صورت وظیفه‌ای تاریخی و نه تنها یک انتخاب سیاسی، برای مخاطب جا انداخت.

تحلیل کارگرد «اسوه»: مشروعیت بخشی و ساختار سوژه انقلابی

جدول شاخص‌های «اسوه» نشان‌دهنده ترسیم الگوی مطلوب و آرمانی است که هدف آن مشروعیت بخشی فراتاریخی به ساختار جدید بود.

۱. ولایت فقیه به مثابه تداوم رهبری الهی: شاخص «رهبری الهی» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۹۸) سنگ بنای این گفتمان است. این تبیین، نه تنها رهبری را به شکل یک قرارداد صرف سیاسی (مانند مردم سالاری‌های غربی) معرفی نمی‌کند، بلکه آن را تداوم مستقیم خط هدایت الهی پس از غیبت کبری می‌داند. این امر، ولایت فقیه را از دایره نقد صرفاً سیاسی خارج می‌کند و در ساحت مشروعیت الهی مستقر می‌سازد.

۲. عدالت به عنوان غایت (هدف غایی): شاخص «عدالت اسلامی» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۲) نه فقط یک ویژگی، بلکه «اساس حکومت» معرفی شد. این مبنای توحیدی، در کنار شاخص «تکامل معنوی» (مطهری)، نشان می‌دهد که هدف حکومت تنها تأمین نظم یا رفاه مادی نیست، بلکه فراهم کردن بستر برای تحقق انسان کامل است. این هدف، فراتر از نظام‌های سکولار تعریف می‌شود و وجه تمایز گفتمانی ایجاد می‌کند.

۳. سوژه سازی متعهد: شاخص‌های «مشورت و مشارکت» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۸۸) به طور فعال مخاطب را از حالت انفعالی خارج، و او را به «شهروند انقلابی متعهد» تبدیل می‌کند. او نه فقط یک رأی‌دهنده، بلکه در تحقق آرمان‌های عدالت و تکامل شریک است. این سوژه سازی، کارکرد عملیاتی گفتمان اسوه است.

۴. گفتمان اسوه: این گفتمان با تکیه بر مبانی توحیدی و تداوم تاریخی رهبری (که در کلام هر دو امام برجسته است)، توانست تصویری آرمانی ارائه کند که از یک سو مشروعیت دینی مستحکمی داشت و از سوی دیگر، کارکردهای عملیاتی برای بسیج و هدایت فردی و جمعی در مسیر تحقق آن آرمان‌ها فراهم می‌ساخت.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه‌گیری

این بخش با تلفیق یافته‌های نظری و گفتمانی پژوهش، به تفسیر نتایج در پرتو پرسش‌های پژوهش، تبیین دلالت‌های نظری و عملی و جمع‌بندی نهایی دستاوردها می‌پردازد. راهبرد تحلیلی حاکم بر این بخش، نشان‌دادن پیوند درونی میان الگوی قرآنی استخراج‌شده و بازتولید تاریخی - گفتمانی آن در انقلاب اسلامی ایران است.

بازخوانی یافته‌ها در پرتو پرسش‌های پژوهش: این پژوهش با دو پرسش کلیدی سامان یافت: نخست، آیا قرآن کریم برای تحلیل حکمرانی الگوی منسجم دارد؟ دوم، این الگو چگونه در گفتمان انقلاب اسلامی تجلی یافته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پاسخ به هر دو پرسش، مثبت و مبتنی بر شواهد متنی و گفتمانی است.

در سطح نظری - قرآنی، تحلیل مضمون آیات مرتبط با سرگذشت اقوام، حکومت‌ها و رهبران، به استخراج الگوی تحلیلی دوگانه «عبرت / اسوه» انجامید. این الگو، حکمرانی را نه بر اساس اشکال نهادی یا صورت‌بندی‌های حقوقی، بلکه بر پایه پیامدهای اجتماعی، اخلاقی و تمدنی برخاسته از «سنت‌های الهی» ارزیابی می‌کند. کارکرد دوگانه این الگو بدین‌گونه است که از یک‌سو، با شناسایی الگوهای سقوط و انحطاط، نقش تشخیصی و هشداردهنده دارد و از سوی دیگر، با ترسیم الگوهای تعالی، واجد کارکرد تجویزی و راهبردی برای سامان‌دهی حیات سیاسی و اجتماعی است.

در سطح گفتمانی - تاریخی، تحلیل گفتمان متون تأسیسی انقلاب اسلامی نشان داد که گفتمان بنیادین انقلاب، بازتولید تصادفی یا تنها واکنشی این منطق قرآنی نیست، بلکه بازآفرینی آگاهانه و ساختاریافته آن به‌شمار می‌آید. در این گفتمان، شاخص‌های «عبرت» به‌صورت نظام‌مند برای مشروعیت‌زدایی رادیکال از نظام پهلوی، و شاخص‌های «اسوه» برای مشروعیت‌بخشی فزاینده از حقوق موضوعه به نظام جمهوری اسلامی به‌کار گرفته شده است. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی خود را در امتداد منطق قرآنی تاریخ و در چارچوب سنت‌های الهی معنا می‌کند.

دلالت‌های نظری و عملی یافته‌ها

دلالت‌های نظری: در حوزه قرآن‌پژوهی سیاسی، این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم دارای الگویی کلان، پیامدنگر و نظام‌مند برای تحلیل حکمرانی است. الگوی «عبرت / اسوه» می‌تواند به‌عنوان

چارچوبی نوین، هم در مطالعه دیگر متون دینی و هم در تحلیل تاریخی حکومت‌های اسلامی به کار گرفته شود و خلأ الگوهای بومی در الهیات سیاسی اسلامی را تا حدی پوشش دهد. در مطالعات انقلاب اسلامی، یافته‌ها نشان می‌دهد که مبانی فکری انقلاب را نمی‌توان تنها محصول شرایط تاریخی، نارضایتی‌های اجتماعی یا تأثیر ایدئولوژی‌های نوین دانست؛ بلکه این مبانی در پیوندی ژرف و ساختاری با منظومه معرفتی قرآن شکل گرفته است. این امر، بُعد الهیات سیاسی انقلاب اسلامی را برجسته می‌سازد و امکان بازخوانی آن را فراتر از تحلیل‌های صرفاً جامعه‌شناختی یا سیاسی فراهم می‌آورد.

از حیث روش‌شناختی، تلفیق «تحلیل مضمون» در مطالعات قرآنی با «تحلیل گفتمان» در علوم سیاسی، نشان‌دهنده ظرفیت زیاد روش‌های کیفی بینارشته‌ای برای ایجاد پل میان مطالعات دینی کلاسیک و تحلیل‌های سیاسی معاصر است. این ترکیب روشی، الگویی قابل تعمیم برای پژوهش‌های مشابه فراهم می‌کند.

دلالت‌های عملی (تبیین پدیده انقلاب): از دید عملی، یافته‌ها منطق درونی گفتمان انقلاب اسلامی را آشکار می‌سازد. نقد گذشته و ترسیم آینده در این گفتمان، در قالب دوگانه‌های بنیادینی چون ظلم/عدالت، وابستگی/استقلال و طاغوت/ولایت فقیه صورت‌بندی شده است؛ دوگانه‌هایی که ریشه در ساختار دوگانه ذاتی قرآن دارد و به گفتمان انقلاب انسجام معنایی و قدرت بسیج‌بخش می‌بخشد؛ همچنین الگوی «عبرت/اسوه» نقش تعیین‌کننده‌ای در بسیج اجتماعی و جامعه‌سازی ایفا کرده است.

به کارگیری این الگو، امکان تخریب نمادین نظم پیشین و هم‌زمان خلق نمادها، ارزش‌ها و اسطوره‌های بنیادین برای نظم جدید را فراهم آورده است. فرایند «اسوه‌سازی در پرتو عبرت‌زدایی»، در واقع طرحی آگاهانه برای بنیان‌نهادن هویت تمدنی نوین است که انقلاب اسلامی خود را حامل آن می‌داند؛ همچنین الگوی پیشنهادی، افزون بر تبیین ژرفای فکری انقلاب، چارچوبی تحلیلی و پویا ارائه می‌دهد که هم برای نقد و هم برای ترسیم آرمان‌شهر دینی قابل استفاده است و پیوند دیرپای دین و سیاست در سپهر اسلامی را به شکل نظام‌مند و قابل تحلیل بازنمایی می‌کند.

ب) پیشنهادها

۱. الگوی «عبرت/اسوه» در تحلیل تطبیقی گفتمان دیگر جنبش‌ها و انقلاب‌های اسلامی در جهان به کار گرفته شود.

۲. میزان انطباق عملکرد نهادهای حکومتی با شاخص‌های استخراج‌شده «اسوه» در دوره‌های گوناگون، به‌صورت تجربی و تحلیلی بررسی شود.
۳. با گسترش دامنه آیات مورد مطالعه، مؤلفه‌هایی مانند اقتصاد، محیط زیست و حکمرانی فرهنگی به الگو افزوده شود تا ظرفیت تبیینی آن تعمیق یابد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

فرمایشات حضرت امام خمینی^(ره)

فرمایشات حضرت امام خامنه‌ای^(ره)

امام خمینی^(ره)، روح‌الله (۱۳۷۹). *صحیفه امام* (۲۲ جلد). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان‌العرب*، بیروت: دار صادر.

آذری فرد، مهدی و عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۹۰). *اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، فصلنامه سراج منیر*، شماره ۲: ۱۰۵ - ۱۳۲.

جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ یوسف‌وند، سامان و نظری‌نیا، مهناز (۱۳۹۹). *گفتمان انقلاب اسلامی در ادبیات توسعه؛ با تأکید بر اندیشه اجتماعی امام خمینی^(ره)*، *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۵۹: ۳۵ - ۵۶.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*، قم: مرکز نشر اسراء.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.

صفری، محمدهادی؛ کریمی، احمد و محمدی مظفر، محمدحسن (۱۴۰۴). *ارزیابی قرآن‌شناختی انگاره‌های حکمرانی نرم پیامبر اکرم(ص) از دیدگاه خاورپژوهان، مطالعات اجتماعی قرآن*، ۴(۱): ۱۰۸ - ۱۳۱.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن* (۲۰ جلد). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

قاسم‌پور، محسن (۱۳۸۶). *مبانی و شاخص‌های رشد معنوی انسان در قرآن، پژوهش دینی*، شماره ۱۵: ۱۰۵ - ۱۳۲.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). *نظریه سیاسی اسلام* (۲ جلد)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره).

مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.

منصوری، خلیل (۱۳۹۴). *ریشه‌های قرآنی گفتمان انقلاب اسلامی*، روزنامه کیهان، ۱۴ بهمن ۱۳۹۴.

References

Norman Fairclough (2010). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language* (2nd ed.). London: Routledge.

James Paul Gee (2014). **How to Do Discourse Analysis: A Toolkit** (2nd ed.). London: Routledge.

Grice, John (2005). **Governance**. Cambridge: Polity Press

<http://www.khamenei.ir>

<http://www.imam-khomeini.ir>

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

